



عکس: محمد محسنی فر، مهر

## مرکز تحقیقات اماس نمونه‌ای از عملکرد سیستم درمان در برابر کرونا

عبدالرضا ناصر مقدسی  
متخصص مغز و اعصاب



اکنون که بیش از دو سال از شروع پاندمی کرونا گذشته است، شاید بسیار مناسب باشد تا همه عوامل درگیر از تجربیات خود در برابر این پاندمی بنویسند. اکنون که به این دو سال نگاه می‌کنم، آن را دوره‌ای گرانبها می‌بینم که سبب شد تجارب ما در برابر چگونگی برخورد با یک شرایط بحرانی به شکل بارزی افزایش یابد. در این دوره نه تنها با کووید و عوارض آن آشنا شدیم، بلکه با جنبه‌های دیگری نیز که می‌تواند بر زندگی و بیماری بیماران مؤثر باشد، آشنا شدیم؛ جنبه‌هایی که تا پیش از این برای ما ناشناخته بود. در ابتدای پاندمی مانند تمام دنیا چیزی درباره کووید نمی‌دانستیم. فقط می‌دانستیم کووید بیماری خطرناکی است که می‌تواند به‌طور بالقوه تهدیدکننده حیات انسان‌ها باشد. در این بین، ترس‌مان درباره کسانی بود که از قبل یک بیماری زمینه‌ای داشتند یا داروهای سرکوب‌کننده ایمنی را مصرف می‌کردند. ادامه راه به ما نشان داد که این ترس بی‌دلیل نبوده است و بیماران به دلایل مختلف بیشتر از افراد سالم در معرض ابتلا به کووید و مخاطرات ناشی از آن بودند. یک دسته از این بیماران، مبتلایان عزیز به اماس بودند؛ بیمارانی عمدتاً جوان که در سطح جامعه بسیار فعال بوده و بنابراین باید مراقبت‌های بیشتری نیز از آنها صورت گیرد. مرکز تحقیقات اماس بیمارستان سینا وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران، مهم‌ترین ارکان درمانی و تحقیقاتی در زمینه بیماری اماس در کشور است و روزانه بسیاری از بیماران به کلینیک این مرکز برای درمان خود مراجعه می‌کنند و در بخش فوق تخصصی آن بستری می‌شوند. مرکز تحقیقات اماس در برخورد با پاندمی کووید سعی کرد به روشی سیستماتیک و با تکیه کامل بر اطلاعات روز، تصمیم‌گیری‌های مؤثر درمانی خود را انجام دهد. نکته مهم اینجاست که به دلیل نبود شواهد و اطلاعات درباره این بیماری جدید، این مرکز به‌صورت کاملاً فعال در عرصه تحقیقات وارد شد و سعی کرد شواهد کافی را جهت ارائه راه‌حل‌های درمانی و پیشگیری فراهم آورد. از این‌رو یکی از اولین مقالات تحقیقی در زمینه رابطه کووید و اماس در سطح جهان از همین مرکز به چاپ رسید. در روزهایی که هنوز نه درمان مؤثری برای کووید کشف و نه واکسنی ساخته شده بود، مهم‌ترین اقدام، توصیه‌های پیشگیرانه و عمل به آنها بود؛ همان توصیه‌هایی معمولی مانند استفاده از ماسک، حفظ فاصله اجتماعی، شستن دست‌ها و سایر مواردی که روزانه از سوی سازمان بهداشت جهانی اعلام می‌شد. مرکز تحقیقات اماس همراه با انجمن اماس سعی کرد از پتانسیل فضای مجازی نهایت استفاده را در اطلاع‌رسانی به بیماران عزیز به عمل آورد. این مرکز بیماران اماس را به‌طور خاص هدف این اطلاع‌رسانی قرار داد و سعی کرد اهمیت پیروی از این دستورالعمل‌ها را به آنها گوشزد کند که در این کار نیز موفق بود. همچنین به دلیل اینکه در آن روزهای اوج کرونا احتمال ابتلا به بیماری کووید به‌خصوص در مراکز درمانی و درمانگاه‌ها بالا بود، مرکز تحقیقات اماس از پتانسیل‌هایی همچون واتس‌آپ، ایمیل و تماس‌های تلفنی برای ویزیت مجازی بیماران استفاده و سعی کرد مشکلات بیماران را تا جایی که می‌شود از این طریق حل‌وفصل کند. اینها تجربه‌های درخشانی بود که اکنون نمود خود را در پلتفرم‌های ویزیت‌های آنلاین نشان داده است. یک نکته بعد که در کارهای مرکز تحقیقات منحصربه‌فرد بود، توجه به جنبه‌های روان‌شناختی کووید و تأثیر آنها روی بیماران مبتلا به اماس بود. اینکه اضطراب و افسردگی در دوران پاندمی تا چه میزان است و این موضوع چه تأثیری می‌تواند بر بیماری و سیر آن بگذارد، نکته بسیار مهمی بود که مرکز تحقیقات به آن پرداخت. همچنین مرکز تحقیقات اماس دست به تدوین نوعی دستورالعمل دارویی برای پزشکان در این دوره زد و توصیه‌هایی درباره چگونگی مصرف داروهایی که ریسک کووید را افزایش می‌دادند، ارائه کرد. بعد از ورود واکسن‌ها و لزوم استفاده از آنها، مرکز تحقیقات اماس به فعالیت‌های خود در این زمینه ادامه داد. این مرکز سعی کرد فضایی مناسب برای واکسیناسیون سریع بیماران مبتلا به اماس به وجود آورد. همچنین اطلاع‌رسانی‌های وسیعی نیز در مورد لزوم استفاده از واکسن‌ها انجام داد. اینها گوشه‌ای کوچک از فعالیت‌های مرکز تحقیقات اماس در دوران کووید است. بنابراین به گمان من این مرکز می‌تواند به‌عنوان الگوی مناسبی برای عملکرد یک سیستم درمانی در شرایط بحرانی مانند پاندمی کووید در نظر گرفته شود.

## نگاهی به رشادت‌های جامعه پزشکی در پاندمی کووید ۱۹ پزشکانی که مشق عشق نوشتند

وقتی ویروس کرونا در شهر «ووهران» چین پیدا شد و تصاویری از بیماران و فوتی‌ها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد، وحشت عجیبی سراپای مردم جهان را فراگرفت. خیلی‌ها فکر نمی‌کردند این ویروس ناشناخته قرار است خیلی زود سراسر جهان را آلوده کند؛ اما وقتی گزارش‌هایی از دیگر کشورها روی خروجی رسانه‌ها قرار گرفت، ترس مردم دوچندان شد. سرانجام این ترس و دلهره در ایران هم نمایان شد؛ زمانی که وزارت بهداشت به‌طور رسمی اعلام کرد مواردی از ابتلا به ویروس کرونا در شهر قم گزارش شده است.

اواخر بهمن ۱۳۹۸ بود و مردم داشتند خود را برای سال نو آماده می‌کردند که همه چیز نقش بر آب شد؛ زیرا نوروز ۹۹ برای مردم ایران به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد و ترس از این ویروس کشنده، باعث شد در خانه بمانند. خیابان‌ها خلوت بود و گویی کسی در این دیار زندگی نمی‌کرد. خیلی‌ها خریدهای ضروری را انجام داده بودند تا کمتر از خانه خارج شوند. وقتی هم یک نفر از اعضای خانواده برای خرید بیرون می‌رفت، سعی می‌کرد با کمتر کسی برخورد و گفت‌وگو کند. کافی بود یک نفر سرفه یا عطسه کند، به‌سرعت باد همه از اطراف او فرار می‌کردند. کرونا همه را فراری داده بود...

هرچه از روزهای کرونایی می‌گذشت، تعداد بیماران و فوتی‌ها بیشتر می‌شد و همین امر، کار پزشکان و کادر درمان را سخت‌تر کرده بود؛ به‌طوری‌که برخی از کادر درمان مجبور بودند روزها و هفته‌ها را بدون استراحت، در بیمارستان‌ها بمانند تا جان بیماران را نجات دهند.

حسین کرمانپور، مدیر بخش اورژانس بیمارستان سینای تهران، جزء نخستین پزشکانی بود که در اسفند ۹۸ به کرونا مبتلا شد. او از روزهای سخت و تلخ کرونایی می‌گوید و اینکه چگونه مرگ بیمار در جلو چشمان پزشک، دردآور است. کرمانپور آن روزها را این‌گونه روایت می‌کند: یک پزشک برای نجات جان بیمارش دارویی را تجویز می‌کند و همراهان بیمار هم هرطور بود آن دارو را تهیه می‌کردند، اما در نهایت منجر به نجات بیمار نمی‌شد. این صحنه‌های تلخ کرونا بود. او به خطرات کرونا برای خانواده کادر درمان اشاره می‌کند و می‌گوید: بعد از شیفیت، کادر درمان که در خط مقدم مبارزه با کرونا هستند، با خود ویروس را به خانه می‌برند. در اصفهان زن و شوهر پزشک بودند و فرزندشان کرونا گرفت و فوت شد. کل خانواده در این جنگ حضور دارند. وجه تمایز دوران کرونا با دفاع مقدس این است که در مبارزه با کرونا، کادر درمان خانواده‌گی درگیر می‌شدند. خیلی از همکاران ما ناخواسته کرونا را به پدر و مادر، زن و بچه و... منتقل کردند و آنها را از دست دادند.

### روزهای بدون ماسک و واکسن

با آمدن کرونا، ماسک‌های سه‌لایه که تا دیروز در قفسه داروخانه‌ها خاک می‌خورد و کسی خریدار آنها نبود، یکباره نایاب شد. شرایط به‌گونه‌ای بود که کادر درمان هم در تهیه ماسک دچار مشکل بودند؛ اما هرچه بود، بالای سر بیمار کرونایی حاضر می‌شدند و ترسی هم از ویروس مرگبار نداشتند. نبود واکنس نیز یکی دیگر از مشکلات در مواجهه با ویروس کرونا بود که کادر درمان از آن محروم بودند؛ زیرا با توجه به شرایط تحریمی کشور و مشکلاتی که بر سر راه واردات واکنس وجود داشت، کادر درمان تا نتوانست در ماه‌های ابتدایی شیوع کرونا، به واکنس دسترسی پیدا کند.

### مردم از جنازه کرونایی هم وحشت داشتند

یادم هست که اوایل کرونا آقای جوانی آمده بود که جنازه مادرش را تحویل بگیرد؛ همان‌طور که می‌دانید هر جنازه‌ای باید شناسایی و سپس تحویل داده شود. در اوج کرونا بودیم و فضای سردخانه خیلی شلوغ بود، برای همین این آقای جوان از ترس اینکه کرونا بگیرد، نمی‌توانست وارد سردخانه شود. از اینکه نمی‌توانست نزدیک تر بیاید و مادرش را ببیند، ناراحت بود و گریه می‌کرد. درحالی‌که پرسنل سردخانه در بیمارستان‌ها در چنین شرایطی به بیماران کرونایی خدمت می‌کردند و این از خودگذشتگی‌ها را در این دوران زیاد دیدیم. هیچ‌کدام از پرسنل بیمارستان‌ها دست از کار نکشیدند و همیشه آماده خدمت به مردم عزیز بوده‌اند.

### مدافعان سلامت عاقبت طلب نبودند

عباس شیروازن، سخنگوی ستاد ملی کرونا، ضمن تقدیر و تجلیل از زحمات کادر درمان در مبارزه با کرونا و تقدیم ۳۰۰ شهید مدافع سلامت گفت: مدافعان سلامت در دوران کرونا عاقبت‌طلبی نکردند تا مردم با کمتر سوگوار شوند. وی افزود: مدافعان سلامت همچون دوران دفاع مقدس، در این دوران از جان مایه گذاشتند.

### اولین شهید مبارزه با کرونا

نرجس خانعلی‌زاده سال ۱۳۷۴ در کلاچای شهرستان رودسر متولد شد و پس از پایان تحصیلات به‌عنوان پرستار در بخش اورژانس بیمارستان میلاد لاهیجان مشغول به کار شد. او در ابتدای شیوع ویروس کرونا و در حین مراقبت از بیماران کرونایی در بیمارستان میلاد لاهیجان به کرونا مبتلا شد و ششم اسفند ۱۳۹۸ بر اثر همین بیماری به شهادت رسید و نخستین شهید مدافع سلامت کشور شد.